

اندر پیرشدگی دانشگاه در ایران - مطالعه موردی دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی فعلی)

همان‌طور که جواد طباطبایی و دیگران نشان داده‌اند دانشگاه در ایران به ضرورتی از جمله عدم پاسخگویی نهادهای آموزشی دوره قاجار، و نیاز به تربیت کارمند ایجاد شد. مدرسه طب، مدرسه علوم سیاسی، و دانشگاه تربیت معلم از جمله این موارد است، که مورد اخیر نامش کاملاً هویداگر اهداف اولیه مذکور است. دانشگاه را افرادی ایجاد کردند که تا حدودی به دلیل عدم پاسخگویی نهاد آموزشی دوران و مقایسه با نهادهای آموزشی در سایر کشورها به اهمیت آن و مراد از آن واقف بودند. به بیان دیگر، به دلیل مشروطه و فهم عقب‌ماندگی ایران راه‌حل را در تأسیس دانشگاه دیدند. هر چند که بسیاری از کارهای انجام یافته به دست آنان در زمینه آموزشی بود و محصولات تحقیقی که از اهداف هومبولتی دانشگاه به حساب می‌آید را شاید نتوانسته باشند در دانشگاه به نحو احسن پیش برده باشند، اما کمینه اینکه با وضعیت ایران و ضرورت دانشگاه برای ایران آگاه بودند.

اخیراً در جلسه‌ای بابت برگزاری نمایشگاه جاذبه‌های بین‌المللی فرصتی ایجاد شد که به پردیس اصلی دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی فعلی) مراجعه کنم. پیش از آن صرفاً از روبروی پردیس اصلی رد شده بودم و فرصت ورود به آن را نیافته بودم. بنابراین هیجان و اشتیاقی فراوان برای مشاهده و بازدید از آن دانشگاه را داشتم. جایی که امثال «غلامحسین مصاحب» و بسیاری بزرگان دیگر در آن تدریس کرده و امثال «علی اکبر سیاسی» و «ولی نصر» مدیریت آن را بر عهده داشته‌اند. خاصه که مصاحب از ریاضی‌دانانی بود که به زبان فارسی و جامعه ایرانی بابت تالیفاتش و تلاش‌هایش خدمات برجسته کرده است. من باب مثال، دایره‌المعارف فارسی وی به گواه بسیاری بزرگان روشمندترین دایره‌المعارف تالیفی در زبان فارسی تاکنون است.

باری، از سخنرانان و همین‌طور تبلیغات تهیه شده جهت معرفی دانشگاه بر دیرینگی دانشگاه و تأسیس آن در سال ۱۲۹۸ تأکیدی فراوان رفته بود و حتی دانشگاه دیرین خوارزمی می‌خواندند. البته باید در نظر داشت که دانشگاه دیرین نسبت به بسیاری از دانشگاه‌های دنیا جوان است. چند سال قبل در دویستمین سالروز تأسیس دانشگاه میشیگان شرکت داشتم که باز خود آن دانشگاه از دانشگاه‌های به اصطلاح دیرین آمریکا به حساب نمی‌آید (کافی است با دانشگاه هاروارد مقایسه شود و دانشگاه هاروارد نیز در قیاس با دانشگاه بولونیا و دانشگاه پادوا در ایتالیا دیرین به حساب نمی‌آید). متأسفانه باید اعلام کنم که افزودن صفت دیرینه به دانشگاه خوارزمی اطلاق اشتباه، و بهتر است صفت پیری را به دانشگاه مذکور اطلاق کنیم و آن را دانشگاه پیر خوارزمی بنامیم. پیر نه از آن جهت که ساختمانش قدیمی است یا سنش از ۱۰۰ گذشته است که روشن است چنین سنی برای چنین نهادی زیاد نیست. کافی است با دانشگاهی تقریباً هم‌سن مثلاً با موسسه تکنولوژی ماساچوست MIT مقایسه شود که هنگام آمدن عنوان آن دانشگاه نه پیری به ذهن می‌رسد و نه حتی دیرینگی. البته که سابقه آن دانشگاه بر اهل بشارت روشن است. باری، در ادامه بدون وارد شدن به نقش دانشگاه، به چند مورد مشاهداتی که در رابطه با پیرشدگی دانشگاه اشاره می‌شود. هدف هر دانشگاهی آموزش و پژوهش، در قالب مشارکت در پیشبرد تحقیقات، تأسیس نهادهای صنعتی و تربیت نیروی کار است. به بیان دیگر، دانشگاه جهت مطالعه و بررسی، و پیشنهاد راه‌حل است. اما دانشگاه در ایران آن‌چنان درگیر امور دیگر است که از چنین اهدافی دور افتاده است و توان دیدن و حل مشکلات را ندارد. چنین پدیده‌ای را پیرشدگی و ناتوانی در انجام امور می‌نامیم.

از چند جنبه دانشگاه خوارزمی پیر است. در مقابل ساختمان قدیمی دانشگاه، در پردیس کوچک دانشگاه آزمایشگاه مرکزی بنا شده است. به سخن دیگر، به جای آنکه نمای ساختمان قدیمی و اصلی معلوم باشد، ساختمانی دیگر با شیروانی در مقابل آن کاشته‌اند که دیدن نمای دانشگاه را کور کرده است. مورد اخیر را با MIT بسنجید که هم‌سن دانشگاه دیرین خوارزمی است و نماد دانشگاه از چند صدمتری مشخص است. این چنین کور کردن را به این معنا می‌توان دریافت کرد که چیزی ندارد که عرضه کند، لاجرم نمای اصلی آن نهاد را هم پنهان داشته‌اند.

صبحانه در سلف بودیم. لقمه آخر را در دهان گذاشتم که موشی یا بهتر بگویم رتی در وسط سالن غذاخوری دوان خود را از سمتی از سالن به سوی دیگر تالار رساند. سرویس‌های بهداشتی همان سلف، تار عنکوب که نه، بلکه پارچه عنکبوت قرار داشت و مخروبه‌ای بیش نبود. دانشگاه هنگامی که به نوسازی و بازسازی اصولی کارهای خود نمی‌اندیشد چگونه در راه پیشرفت مملکت و اثرگذاری ملی و بین‌المللی موثر خواهد بود؟

تالاری دویست نفره در ضلع جنوبی پردیس دانشگاه دیرین خوارزمی در طبقه چهارم ساختمانی به نام تالار ابوریحان مزین شده بود. تالار مذکور نه سرسرا داشت و دارای آسانسوری شش نفره بود. توجه کنید تالار سخنرانی و مجالس در طبقه چهارم واقع شده، و طبقه همکف و اول و دو و سوم به موارد دیگر اختصاص یافته است. چنین شلختگی، ببخشید شاهکار طراحی، به این معناست که دانشگاه معماری ندارد. مشکلات خود را نمی‌تواند حل کند و اصلاً مشکلات خود را نمی‌بیند. به جای اینکه در طبقه همکف تالار ایجاد کند در طبقه چهارم تالار می‌گذارد تا صدها نفر منتظر باشند و ازدحام شود و کل ساختمان درگیر شود و استفاده غیراصولی از منابع شود. موقع پذیرایی نیز در روبروی تالار فضای آنچنانی فکر و طراحی نشده تا گنجایش پذیرایی شرکت‌کنندگان را داشته باشد. به نظر، رییسی احساس نیاز کرده است که تالار لازم است یا مشاور اعظمی به ایشان چنین اثری ماندگار را پیشنهاد کرده است. دستوری از جانب ایشان ساطع شده است. بدون بررسی و مطالعه، بخشی از ساختمان در طبقه چهارم از دست گروهی قاپیده شده یا گروه به ثمن بخش بخشیده است. سخن کوتاه، معماری و طراحی جایی در دانشگاه دیرین خوارزمی وجود ندارد. کافی است بقیه ساختمان‌های و بنای آنها در پردیس محدود مذکور بررسی شود. وقتی طرحی و معماری وجود ندارد، وقتی برای تغییر یا گسترش معماری، وضعیت فعلی بررسی نمی‌شود، چگونه می‌توان امید داشت که مطالعه‌ی درستی از تشریح وضعیت فعلی مشکلات اکادمیک در دانشگاه رخ دهد؟

در ساختمان اصلی چند اتاق و دفتر و سرای قدیمی را بازدید کردم. یکی از کارکنان عنوان کرد که بسیاری از میزها قدیمی است اما یکی از روسای بخش مذکور میزها را به پردیس کرج منتقل کرده است و همان میزها دچار شکستگی شده است. وقتی با هشدار کارشناس مواجه شده است که چنین امکانات و ابزارهایی تاریخی و نماد سابقه دانشگاه است، و کمینه اینکه قیمتی است، با هشدار تبعید به «کرج رود» مواجه شده است. پس، اگر فردا مسئولان دانشگاه عنوان کنند که پردیس کرج را مثال زنند، به یاد داشته باشیم که که پردیس کرج از منظر بسیاری از روسا و کارکنان دانشگاه دیرین خوارزمی تبعیدگاه است. این هم نگاهی به دیگر به منابع دانشگاه نزد تصمیم‌گیران دانشگاه دیرین خوارزمی است. سخن کوتاه، در دانشگاهی صحبت از دیرینگی می‌شود که تصمیم‌گیرش برداشتی از سابقه و اهمیت تاریخی دانشگاه و آثارش ندارد. به سخن دیگر، هدف دانشگاه نقض غرض شده است.

شاید انکار کنند، شاید طی دستوری یک شبه موش‌های سلف را بگیرند! محل آزمایشگاه مرکزی، یا تالار ابوریحان را چگونه توجیه می‌کنند؟ حتی شاید عنوان کنند طهران موش دارد و دانشگاه هم جزوی از طهران! همین پاسخ را از یکی از کارکنان آنجا شنیدم. یعنی دانشگاه به خود زحمت بررسی و رفع مشکل نمی‌دهد، اما قرار است مشکلات مملکت را رفع و رجوع کند.

در پایان، قصد نکوهش و کوبیدن دانشگاه دیرین خوارزمی نبوده و نیست. وقتی در دانشگاه جهت حل مشکلات خود توانی ندارد، چگونه به توان آن جهت حل مشکلات مملکت امید بست؟ البته که دیوار حاشا بلند است. بقیه دانشگاه‌های ایران نیز کمابیش به همین گونه است. کافی است به دانشگاه صنعتی شریف مراجعه کرد و مشاهده کرد که به دلیل نداشتن پارکینگ چه بلایی بر اطراف دانشگاه آمده است، و از در و دیوار خودرو آویزان است. ممکن است برداشت شود که نباید به این موارد اکتفا کرد و خروجی‌های علمی و پژوهشی و صنعتی دانشگاه را ارزیابی کرد. اما از این معماری از این نگره‌داری که در چند ساعت حضور بر نویسنده و هر رهگذر دیگری عیان می‌شود خود بخوان حدیث مفصل. به خوارزمی الگوریتم‌ساز، ابوریحان صاحب تحقیقات ماللهند، مجتبی مینوی پردقت، و غلامحسین مصاحب صاحب روش و معماری در تالیف فکر می‌کنم. از خود، از دست‌اندرکاران از سطح دانشکده و دانشگاه تا وزارت خجالت می‌کشم. در نوشتارهای بعدی مشکلات دیگر دانشگاه‌ها و پیرشدگی دانشگاه را در ایران بیشتر پیش خواهیم برد. فعلاً اولین راه که به نظر می‌رسد انحلال وزارت عتف و استقلال دانشگاه‌ها، و انتقاد و پیشنهاد دلسوزان دانشگاه ایران زمین است.